



تحلیلی بر نظریه های ماهیت سرمایه بیمه عمر

پدیدآورنده (ها) : حسینی، سید علی

علوم قرآن و حدیث :: نشریه بلاغ حسین :: بهار و تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۴۲ و ۴۳

صفحات : از ۱۲۵ تا ۱۵۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1387960>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- عقد بیمه و دیدگاه های نوین فقهی فقها درباره مشروعیت آن
- راه‌های مبارزه با آفات عفاف
- سرمقاله
- معرفی کتاب
- تحقیقی در باب معنای (جلباب) در قرآن کریم
- از فقه‌الحديث تا انسان‌شناسی فرهنگی: قرائتی مردم‌شناختی از احادیث تربت و بازسازی یک گفتمان هویتی در تشیع نخستین
- تعاون از دیدگاه فلسفی (۲)
- محبوبیت پیامبر اعظم (ص)
- تبعیض بین کودکان در خانواده از منظر اسلام
- طنز مقدس
- هویت و کرامت انسانی زن در قرآن
- Quotation (Tamin) and its Rhetorical Purposes in the Holy Quran

عناوین مشابه

- بهینه سازی سرمایه گذاری در بیمه های عمر مبتنی بر برنامه ریزی آرمانی
- بررسی تأثیر حق بیمه دریافتی شرکت های بیمه بر میزان سرمایه گذاری آنها در بازار مالی (با تأکید بر بیمه عمر)
- تحلیلی بر نظریه های بینامتنیت ژنتی
- تله بنیانگذار و نظریه جنبش های اجتماعی جدید: تحلیلی بر انقلاب تونس
- مروری تحلیلی و نظام مند بر نظریه های مربوط به راهبرد هم‌قابلیتی به عنوان تعارضی در ادبیات مدیریت راهبردی
- تحلیلی انتقادی دیدگاه های اوشو درباره ماهیت انسان بر اساس مبانی عرفان اسلامی
- نقد جامعه شناسانه سرمایه های زنان در رمان قصه تهمینه محمد محمدعلی بر اساس نظریه انواع سرمایه پیر بورديو
- مفهوم پردازی کارکردهای ترفیع کارآفرینانه مبتنی بر تبلیغات کلامی در فروش بیمه عمر و سرمایه گذاری
- تحلیل ماهیت و انواع قرارداد بیمه عمر با رویکردی بر نظر امام خمینی (س)
- تحلیلی بر روش های ارزیابی کارایی بازاری سرمایه در ایران

تحلیلی بر نظریه‌های ماهیت سرمایه بیمه عمر

سیدعلی حسینی^۱

چکیده:

متأسفانه همواره مشکلات و مسائل فقهی و حقوقی ناشی از بیمه عمر در پرده‌ای از ابهام قرار داشته است. از جمله این مسائل ماهیت سرمایه بیمه عمر است که بحثهای وسیعی را به خود اختصاص داده که از جمله این بحثها که ما در این مقاله به آن می‌پردازیم این است که ماهیت سرمایه بیمه عمر از منظر فقه امامیه چیست؟ آیا سرمایه بیمه عمر مصداق ماترک بیمه گذار محسوب می‌شود و حکم آن را دارد و تابع قواعد ارث است؟ آیا قرارداد بیمه عمر به منزله وصیت محسوب می‌شود؟ شایان ذکر است که معمولاً این مسائل از سوی شرکتهای بیمه و گاهی قضات بصورت سلیقه‌ای و بدون توجه به ماهیت فقهی حقوقی سرمایه بیمه عمر حل و فصل می‌شوند.

حال باتوجه به اهمیت موضوع و کاربرد وسیع آن در شرکتهای بیمه در این تحقیق به بررسی آراء و نظریات مختلف در خصوص ماهیت سرمایه بیمه عمر پرداخته شده و فرضیه‌هایی همچون ارث بودن، وصیت بودن و موهوب بودن سرمایه بیمه عمر مورد بحث و بررسی و تحلیل قرار گرفته و ماحصل آنچه مرقوم گردیده چنین است که با رد شدن فرضیه ماترک بودن

^۱ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)
(talaey_rezvan@yahoo.com)

سرمایه بیمه عمر، بهترین و منطقی‌ترین پاسخ برای سوالات موجود در این زمینه، مستقل دانستن عقد بیمه عمر است.

واژگان کلیدی: ارث، بیمه عمر، وصیت، تعهد به نفع شخص ثالث



مقدمه

بیمه عمر نیز از جمله مسائلی است که در قرون اخیر تحت عنوان مسائل مستحدثه مورد بحث و بررسی فقها و حقوقدانان قرار گرفته است تا انطباق یا عدم انطباق قرارداد بیمه عمر را با مبانی فقهی، تحلیل و واکاوی گردد.

بیمه عمر عبارت از قراردادی است که به موجب آن، بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه، تعهد می‌کند که مبلغ معینی را خواه دفعتاً واحد به شکل سرمایه بیمه شده و خواه در مدت معین به شکل مستمری به بیمه‌گذار یا شخص ثالثی که از طرف بیمه‌گذار (بیمه‌شده) تعیین می‌شود و یا به وارث بیمه‌شده پردازد. موعد ایفای تعهد بیمه‌گر ممکن است فوت بیمه‌شده و یا حیات او در زمان معین باشد.

مسأله و مشکل عمده فقهی و حقوقی سرمایه بیمه در بیمه عمر به شرط فوت و بیمه عمر مختلط ظهور می‌کند چرا که در این موارد بیمه‌گر تعهد می‌نماید که هرگاه بیمه‌گذار در طول مدت قرارداد فوت نماید مبلغی را به ورثه یا شخص ثالث تعیین شده در قرارداد پردازد. حال این موضوع سبب ایجاد بحثهای فقهی و حقوقی وسیعی پیرامون سرمایه بیمه عمر شده است و سوالاتی از این قبیل را بوجود آورده که: ماهیت سرمایه بیمه عمر از منظر فقه امامیه چیست؟ و آیا سرمایه بیمه عمر مصداق ماترک بیمه‌گذار محسوب می‌شود و حکم آن را دارد و تابع قواعد ارث است؟ آیا قرارداد بیمه عمر به منزله وصیت محسوب می‌شود؟ حال که بیمه عمر با ارث و وصیت و هبه از جهت شکلی تشابهاتی دارد، آیا ماهیتاً هم متشابه است یا با آن تفاوت دارد؟

۱- کلیات بیمه عمر

۱-۱- تعریف بیمه

در تعریف بیمه، قانون بیمه در ماده یک خود آن را چنین معرفی می‌کند که: «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.» (قانون بیمه، اردیبهشت ۱۳۱۶ ه. ش: ص ۱)

بیمه به معنای اصطلاحی آن «نوعی معامله و قرارداد است که تعهدی را برای طرفین قرارداد بیمه الزامی می‌کند و در واقع نوعی تأمین و تعهد در پرداخت خسارت است.» (جمالی زاده، سال ۱۳۸۰ ه. ش: ص ۲۴)

فقه‌های معاصر شیعه در تعریف بیمه مطلب خاصی نیاورده‌اند و تعریف‌های یادشده را مبنای احکام فقهی قراردادها، آیت الله خوئی (ره) می‌نویسد: بیمه عبارت از این است که شخص هر سال مبلغی به کسی یا به شرکتی بدون عوض داده و در ضمن شرط کند که اگر آسیبی مثلاً به تجارت خانه یا ماشین یا منزل یا خودش برسد آن شرکت یا شخص، آن خسارت را جبران یا آسیب را برطرف یا مرض را معالجه کند. (موسوی الخویی، سال ۱۳۹۴ ه. ق: ص ۵۴۴)

۲-۱-۱-۱-۲. تعریف بیمه عمر

بیمه عمر عبارت از قراردادی است که به موجب آن، بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه، تعهد می‌کند که مبلغ معینی را خواه دفعتاً واحد به شکل سرمایه بیمه شده و خواه در مدت معین به شکل مستمری به بیمه‌گذار یا شخص ثالثی که از طرف بیمه

گذار (بیمه شده) تعیین می‌شود و یا به وارث بیمه شده بپردازد. موعد ایفای تعهد بیمه گر ممکن است فوت بیمه شده و یا حیات او در زمان معین باشد

خطرات مطرح در بیمه‌های عمر دو خطر اصلی است که تحت عنوان فوت و حیات از آن نام برده می‌شود؛ یعنی مرگ و یا زنده ماندن اشخاص، موضوع این بیمه نامه است؛ لذا برای هر کدام از این موارد، بیمه نامه ای مجزا طراحی شده است که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

۱-۲-۱- انواع بیمه عمر:

۱-۲-۱-۱- بیمه عمر به شرط فوت:

در این نوع بیمه عمر، تعهد بیمه گر تنها در خصوص فوت بیمه شده است و اگر او زنده بماند، بیمه گر تعهدی در قبال بیمه نامه نخواهد داشت. به این بیمه عمر، بیمه عمر خطر فوت نیز گفته می‌شود که انواع مختلفی دارد. (حسینی پور، سال ۱۳۹۱ ه.ش: ص ۲۵)

۱-۲-۱-۲- بیمه عمر به شرط حیات

امروزه حیات در سنین بالا نوعی تهدید به حساب می‌آید؛ در صورت حیات در سنین بالا، از لحاظ مالی با مشکلات عدیده ای مواجه خواهند شد که در نهایت نمی‌توانند از دوران کهولت خود لذت ببرند.

در همین راستا بیمه‌های عمر به شرط حیات به گونه ای طراحی شده‌اند که افراد در سنین میان سالی اقدام به خرید آن کنند و برای یک دوره زمانی؛ مثلا ۱۰ یا ۲۰ ساله

خود را تحت پوشش این نوع بیمه قرار می‌دهند. اساس کار شبیه بیمه‌های عمر به شرط فوت است با این تغییر که در آنجا خطر فوت موضوع بیمه نامه بود و در اینجا حیات موضوع بیمه نامه است؛ یعنی تعهد بیمه‌گر زمانی است که بیمه شده در انتهای مدت اعتبار بیمه نامه در قید حیات باشد. (حسینی پور، سال ۱۳۹۱ ه.ش: ص ۲۶)

۱-۲-۱- بیمه عمر ترکیبی

بیمه عمر ترکیبی یا مختلط بیمه‌ای است که بیمه‌گر یک دوره زمانی؛ مثلاً ۲۰ ساله را در نظر می‌گیرد و در طول مدت این ۲۰ سال خطر فوت بیمه شده را به نفع ذی نفعان تحت پوشش قرار می‌دهد. این بخشی از تعهد بیمه‌گر است؛ زیرا زمانی که بیمه شده در انتهای زمان اعتبار بیمه نامه در قید حیات باشد، بخش دوم تعهد فعال شده و بیمه‌گر سرمایه قابل توجهی را که حاصل از ذخیره ریاضی بیمه نامه است در اختیار بیمه‌گذار یا ذی نفع در صورت حیات او قرار می‌دهد. (حسینی پور، سال ۱۳۹۱ ه.ش: ص ۲۷)

۲- تحلیلی بر نظریه‌های ماهیت سرمایه بیمه عمر

۱-۲- بررسی فرضیه موهوب بودن سرمایه بیمه عمر:

۱-۱-۲- بیمه عمر و هبه:

عده‌ای از فقها و حقوقدانان برای توجیه مشروعیت بیمه از نظر فقه اسلامی، آن را با عقد هبه مقایسه کرده و عقیده دارند که اگر شخص در هر ماه یا هر سال مبلغی از

مال خود را به دیگری که شرکت بیمه می‌باشد تحت عنوان هبه معوضه بدهد و در ضمن عقد، شرط کند که در صورت وقوع حادثه و ورود خسارت بر جان و مال یا اتومبیل یا منزل او بیمه‌گر یا شرکت بیمه نسبت به جبران خسارت وارده اقدام نماید، بیمه‌گر موظف است که به شرط عمل نماید. (موسوی الخویی، سال 1390 ق: ص 328؛ موسوی الخویی، سال 1394 ق: ص 19، مسئله 28؛ موسوی الخویی، چاپ 1405 ق: ج 1، ص 421؛ حلی، چاپ 1405 ق: ص 38 و 39؛ گرجی، شماره اول، سال 1357 ه.ش: ص 145؛ مرعشی، 1349 ه.ش: ص 502، مسئله 22؛ موسوی سبزواری، سال 1390 ق: ص 528 و 529، مسئله 2493)

و با توجه به اینکه شرط مذکور در ضمن عقد لازم صورت گرفته است مشمول حدیث: «المومنون عند شروطهم» بوده و واجب الوفاء می‌باشد و بیمه‌گذار در صورت تخلف از شرط می‌تواند از خیار شرط استفاده نموده و قرارداد را فسخ نماید و بنابراین کلیه انواع بیمه را نوعی هبه معوض دانسته و قراردادهای بیمه را نیز صحیح و شرعی می‌دانند.

قانون مدنی ایران نیز که ریشه فقهی دارد هبه معوضه را پذیرفته و در ماده 801 قانون مذکور آمده است که هبه ممکن است معوض باشد و واهب می‌تواند شرط کند که متهب مالی را به او هدیه کند یا عمل مشروعی را انجام بدهد. (القرضاوی، 1405 ق: پاورقی ص 424؛ شهیدی، شماره 29 و 30: ص 33)

اما مقایسه بیمه و هبه معوضه، مورد ایراد و اشکال‌هایی به شرح زیر قرار گرفته است:

1- امام خمینی (ره) در این مورد می‌گویند ظاهر بر این است که بیمه رایج بدون تردید، از مصادیق هبه معوضه نیست زیرا هرچند هبه معوضه آنست که در

آن شرط عوض نشده باشد ولی منافاتی هم ندارد که گیرنده هبه (متهب) عوض مال موهوب را به هبه دهنده (واهب) بدهد اما ملازمه ای بین آنها وجود ندارد. در صورتی که در بیمه از نظر طرفین قرارداد، ملازمه ای بین پرداخت اقساط و مبلغ بیمه وجود دارد یعنی با پرداخت اقساط از طرف بیمه گذار، بیمه گر نیز ملزم به پرداخت خسارت می شود و بدون اخذ اقساط بیمه، تعهدی را بر عهده نمی گیرد و در نتیجه بین عمل طرفین ملازمه وجود دارد. با این حال ایشان معتقدند بیمه چه به صورت هبه باشد یا به صورت ضمان یا صلح، قراردادی لازم الاجرا است. (موسوی الخمینی، سال ۱۳۶۴ ه.ش: ج ۲، ص ۶۰۹، مسئله ۶؛ بی آزار شیرازی، سال ۱۳۵۹ ه.ش: ج ۱، ص ۲۲۷، شماره ۶؛ مطهری، سال ۱۳۶۱ ه.ش: ص ۸۶؛ خامنه ای، سال ۱۳۵۹ ه.ش: ص ۱۴۷)

۲- در هبه پس از قبض مال موهوب، متهب بخیر بین رد مال و دفع عوض است ولی در بیمه، چنین نیست زیرا وجوه پرداختی بیمه گذاران، جزء اموال بیمه گر می گردد و دیگر قابل استرداد نیست. (خامنه ای، سال ۱۳۵۹ ه.ش: ص ۱۴۸)

۳- هبه از جمله بخشش هایی است که به طور مستقیم انجام می گیرد، بدین معنی که به مجرد تحقق عقد هبه، مالی از دارایی واهب خارج و به دارایی متهب وارد می شود بدون آنکه واسطه ای در میان باشد، در حالیکه در عقد بیمه عمر به شرط فوت بیمه گر واسطه تملیک مال به شخص ثالث ذی نفع است و این تملیک به صورت مستقیم واقع نمی شود.

4- در رابطه بین بیمه گذار و بیمه گر ممکن است بتوان آن را تا حد زیادی با هبه معوض (موضوع ماده 801 قانون مدنی) مشابه دانست، ولی با اندکی مذاقه و باریک بینی باید اذعان کرد که هبه از جمله عقود است که به منظور تملیک مجانی مال منعقد می‌شود و قصد واهب در عقد هبه، اصولاً باید تملیک مجانی مال به متهب باشد در غیر اینصورت عقد حاصله از شمول تعریف هبه خارج خواهد بود. این اصل در مورد عقد هبه با شرط نیز جاری است، چرا که قصد و غرض اصلی واهب از انعقاد عقد هبه باید منتفع کردن و مالک گردانیدن متهب از مال خود باشد و اشتراط عوض نباید مغایر این فلسفه باشد. به بیان دیگر شرط عوض را در عقد هبه تا بدانجا می‌توان پذیرفت که جنبه فرعی و تبعی داشته باشد ولی اگر اهمیت آن بدان حد گسترش یابد که به عنوان عوض در مقابل عین موهوبه قرار گیرد، موجب تغییر ماهیت عقد هبه می‌گردد. (زنگنه، تابستان 1379 ه.ش: صفحه 95 و 96)

اما ظاهر از قرارداد بیمه، که امروزه رواج دارد، آن است که بیمه عقد مستقلی است و به هبه معوضه منعقد نمی‌گردد، گرچه فقیهان بزرگوار توجیه شرعی بیمه را از راه هبه نیز صحیح دانسته‌اند؛ زیرا می‌دانیم که هبه‌ی مال به بیگانه، عقدی جایز است؛ اما بیمه عقدی لازم است. در هبه رجوع واهب قبل از تصرف متهب صحیح است؛ اما در عقد بیمه، وجوه پرداختی بیمه گذاران به تملیک بیمه گر در می‌آید و قابل استرداد نیست، مگر آنکه گفته شود که هبه معوضه یا هبه مشروطه، به دلیل معوض بودن، جزء عقود لازم است و شرط در ضمن عقد هبه، لازم الوفاست. بنابراین، از این بابت فرقی بین هبه معوضه و عقد بیمه نیست و انطباق بیمه بر هبه مشروط، بلا اشکال بوده و گرفتن مال از دو طرف حلال است. (جمالیزاده، سال 1380 ه.ش: ص 467) بنابراین

احتمال موهوب بودن سرمایه بیمه عمر در صورت توجیه بیمه عمر از طریق هبه مشروطه و معوضه با تساهل و تسامح وجود دارد.

۲-۲- بررسی فرضیه وصیت بودن سرمایه بیمه عمر:

۲-۲-۱- بیمه عمر و وصیت:

قانون مدنی ایران در ماده ۸۲۵ خود وصیت را به دو قسم تملیکی و عهدی تقسیم می‌کند. در بیمه بر طبق قراردادی که بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر منعقد می‌شود بیمه‌گذار اقساط معینی به بیمه‌گر می‌پردازد و وصیت می‌کند که پس از فوت او یا شخص ثالث، سرمایه بیمه‌ای به ورثه بیمه‌گذار یا شخص معین شده از طرف بیمه‌گذار پرداخت شود. بدلیل شباهتی که بین این دو نهاد وجود دارد شاید به نوعی بتوان آن را وصیت نامید ولی تفاوت‌هایی نیز دارند که به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱- بر طبق تعریف وصیت اولاً «موصی» باید از مال خود وصیت کند و «موصی‌به» باید از مال او پرداخت شود در حالیکه در اینجا سرمایه پرداخت شده از مال بیمه‌گر است و این برخلاف تعریف قانون از وصیت است.

۲- در وصیت بین «موصی» و «موصی‌له» رابطه‌ای مستقیم وجود دارد که بلافاصله بعد از فوت «موصی» و بدون دخالت غیر، «موصی‌به»، به «موصی‌له» تملیک می‌شود ولی در بیمه انتقال به واسطه بیمه‌گر است.

۳- در مورد وصیت، زاید بر ثلث نمی‌توان وصیت نمود مگر به رضایت در ارث، در حالیکه در بیمه عمر سرمایه پرداختی منوط به توافق بیمه‌گر و بیمه‌گذار است نه وارث.

4- در بیمه عمر همیشه الزاماً شخص بیمه شده و شخص بیمه گذار یک نفر نمی باشد و در نتیجه تملک سرمایه بیمه ای به ثالث منوط به فوت بیمه گذار نیست در حالیکه در وصیت تملیکی، تملیک «موصی به» منوط به فوت «موصی» است.

ممکن است در بررسی و مقایسه این دو نهاد بتوان بیان نمود که بیمه عمر در واقع وصیت به تملیک است. در بررسی این نظر هم باید توجه داشت که در وصیت عهدی مال مورد وصیت از دارایی «موصی» خارج می شود و به ملکیت «موصی له» در می آید و «وصی» صرفاً واسطه ای جهت تملیک است در حالیکه در قرارداد بیمه عمر، سرمایه از ملکیت بیمه گر خارج می شود نه از سرمایه بیمه گذار. همچنین در وصیت، «وصی» در حکم امین است و باید مال را به «موصی له» تملیک کند در حالیکه بیمه گر تا زمان تحقق معلق علیه، مالک مالی است که به ذینفع تسلیم می نماید و رابطه بین بیمه گر و سرمایه بیمه عمر، رابطه امانی بوده بلکه رابطه مالکانه می باشد. (زنگنه، سال 1377 ه.ش: ص 98)

با توجه به موارد بالا واضح است که این نوع از بیمه ها را نمی توان وصیت نامید و احتمال وصیت بودن سرمایه بیمه عمر رد می شود.

۲-۳- بررسی احتمال ارث بودن سرمایه بیمه عمر

۲-۳-۱- معافیت مالیاتی سرمایه بیمه عمر

طبق ماده 136 قانون مالیات‌های مستقیم^۱ مصوب 1381 ه.ش پرداخت‌های بیمه گر به ذی نفع بیمه نامه‌های عمر در صورت فوت بیمه شده، از مالیات بر ارث معاف است. شبکه فروش بیمه‌های عمر می‌توانند از این موضوع به عنوان یکی از ابزار فروش خود استفاده نمایند؛ چرا که ممکن است بیمه گذار در زمان حیات خود منابع مالی برای خانواده خود در نظر گرفته باشد که آن منابع پس از فوت او مشمول مالیات بر ارث می‌شوند، در حالی که سرمایه بیمه عمر او معاف از مالیات است.

دلیل معافیت سرمایه بیمه عمر از مالیات این است که مالیات بر ارث بر آن دسته از مایملک متوفی تعلق می‌گیرد که در زمان حیات وی وجود داشته و متعلق به خود او بوده است. حال که از دنیا رفته، به عنوان ماترک و به جهت تغییر مالکیت به نفع وراثت مشمول مالیات شده و قسمتی از ارزش این دارایی‌ها تحت عنوان مالیات بر ارث از سوی وراثت متوفی به اداره مالیات پرداخت می‌شود.^۲

اما سرمایه بیمه عمر (در صورت فوت بیمه شده) جزء این دارایی‌ها به حساب نمی‌آید. به بیان دیگر در زمان حیات بیمه شده اصلاً وجود خارجی ندارد و به محض

۱ متن ماده ۱۳۶ قانون مالیات‌های مستقیم: وجوه پرداختی بابت بیمه عمر از طرف موسسات بیمه که به موجب قراردادهای منعقد شده بیمه عاید ذی نفع می‌شود از پرداخت مالیات معاف است

۲ متن ماده ۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم: «اموال مشمول مالیات بر ارث عبارت است از: کلیه ماترک متوفی واقع در ایران و یا خارج از ایران اعم از منقول و غیر منقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و واجبات مالی و عبادی در حدود قواعد شرعی و دیون محقق متوفی».

فوت او به نفع ذی نفعان دفعتاً به وجود می‌آید؛ لذا جزء ماترک متوفی به حساب نیامده و از شمول دارایی‌هایی که مالیات بر ارث به آنها تعلق می‌گیرد، خارج می‌شود.

۲-۳-۲- قانون انحصار ورثه

زمانی که شخصی فوت کند، اگر مایملکی داشته باشد؛ چه مبلغی ناچیز در یک حساب بانکی باشد و چه سرمایه‌ای عظیم در قالب اموال منقول و غیر منقول، کلیه مایملک آن تا زمانی که سهم هریک از وراث از ماترک متوفی مشخص گردد، قابل استفاده نخواهد بود. از این رو وراث قانونی متوفی به دنبال انحصار ورثه افتاده تا طبق رأی دادگاه در سایه قانون ارث سهم هر کدام از آنها از دارایی‌های متوفی مشخص شود. باتوجه به رویه‌های اداری ایران این امر در حدود 4-6 ماه به طول می‌انجامد. پس از مدت مذکور که رأی دادگاه سهم الارث وراث را تعیین کرد، اگر هرکدام از آنها نسبت به این رأی و میزان سهم خود اعتراضی داشته باشند، زمان 6 ماهه فوق بعضاً به دو برابر افزایش می‌یابد.

از طرفی هدف بیمه عمر این است که بازماندگان بیمه شده که تألمات روحی ناشی از فقدان او را تحمل می‌کنند، دچار آسیب‌های اقتصادی نشوند و حداقل از لحاظ مالی تأمینی داشته باشند. اگر قرار باشد که این تأمین پس از انحصار وراثت و مدت مذکور صورت گیرد، بیمه عمر در اجرای هدف خود ناکام می‌ماند؛ لذا بیمه گذار قبل از صدور بیمه نامه در فرم پیشنهاد، ذی نفعان در صورت فوت بیمه شده را تعیین کرده و بیمه شده نیز موافقت خود مبنی بر وجود این ذی نفعان را اعلام می‌دارد. در این قسمت، سهم هریک از ذی نفعان مشخص شده است؛ لذا بیمه گر به محض اطلاع از

فوت بیمه شده و دریافت مدارک مورد نیاز می‌تواند نسبت به پرداخت سرمایه فوت در وجه ذی نفعان اقدام نماید بدون اینکه نیاز به انحصار ورثه داشته باشد.

لازم به ذکر است تعیین ذی نفعان و میزان سهم آنها از سرمایه فوت، لزوماً طبق قوانین ارث از جمله سهم مشخص شده فرزندان دختر و پسر و غیره نبوده و بیمه‌گذار می‌تواند اشخاص دیگری را هم در این قسمت بیاورد، مشروط به اینکه بیمه شده رضایت داشته باشد. حتی ذی نفع در صورت فوت یا حتی حیات بیمه‌نامه عمر می‌تواند شخص حقوقی باشد. در حال حاضر افرادی هستند که تمام یا بخشی از سرمایه بیمه‌نامه عمر خود را به نفع مراکز خیریه و عام المنعه از جمله: بهزیستی، شیرخوارگاه‌ها، بیمارستان‌ها و غیره اختصاص می‌دهند. (حسینی پور، سال ۱۳۹۱ ه.ش: ص ۱۲۵ تا ۱۲۷)

۲-۳-۳- تحلیل احتمال ارث بودن سرمایه بیمه عمر

درباره بیمه عمر باید بین موردی که تعهد بیمه‌گر به نفع شخص معین است با فرضی که به سود وارثان بیمه‌گذار به طور کلی مقرر می‌شود تفاوت گذارد. در فرض نخست، هیچگاه وجه بیمه عمر به ترکه نمی‌پیوندد، هر چند که ذینفع معین از وارثان باشد. زیرا، قرارداد بیمه تصرفی است که در زمان حیات واقع شده و بر طبق مفاد قرارداد و منظور بیمه‌گذار، تعهد بیمه‌گر بطور مستقیم به سود شخص یا اشخاص معین (ثالث) است و بعد از مرگ نیز بی واسطه به دارایی آنان می‌پیوندد و وارثان و طلبکاران و موصی له حقی بر آن ندارند. در این فرض، اگر چند تن از وارثان یا همه آنان ذینفع بیمه معرفی شده باشند، سهم هر یک تابع آخرین اراده اوست نه قانون و هرگاه سهم هر کدام معین نشود، همه برابرنند. بدین ترتیب، از نهاد بیمه عمر نیز می‌توان

برای تعدیل فرضها و سهام قانونی ارث استفاده کرد. (کاتوزیان، ۱۳۶۸ ه.ش، ج ۳: ص ۶۶۳ به بعد؛ وصیت: ص ۳۰۶)

در فرض دوم که ذینفعی برای بیمه معین نشده یا تعهد به سود وارثان به طور کلی است، ذینفع واقعی دارایی، بیمه گذار است. در نتیجه، بعد از تحقق شرط پرداخت سرمایه، آن وجه به دارایی متوفی افزوده می‌شود و طلبکاران نیز می‌توانند از محل آن استفاده کنند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸ ه.ش: ج ۳، ص ۶۶۳ به بعد؛ وصیت، ص ۳۰۶) سهم هر یک از وارثان را نیز قانون معین می‌کند.

ماده ۲۴ قانون بیمه نیز این تحلیل را بطور ضمنی در مفاد خود آورده است:

«وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود، به ورثه قانونی متوفی پرداخته می‌شود، مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که، در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است». (کاتوزیان، ۱۳۶۹ ه.ش: ص ۱۲۹ و ۱۳۰)

اما اولین سوالی که در فرضیه ارث بودن سرمایه بیمه عمر مطرح می‌شود این است که آیا مبلغ بیمه عمر جزء ترکه محسوب می‌شود یا خیر؟ در این مورد فقها معتقدند که جزء ترکه محسوب نمی‌شود زیرا ترکه باید جزء اموالی باشد که از طرف میت (بیمه گذار) در فرض حیات، قابل دخل و تصرف باشد (طباطبایی، سال ۱۳۴۰ ه.ق: ص ۶۸) که در بیمه عمر چنین نیست. آنچه در این مورد می‌توان گفت آن است که هرچه به ورثه پرداخت می‌شود به عنوان ترکه متوفی (بیمه گذار) نیست بلکه حقی است که به مناسبت مرگ مورث به سود آنان ایجاد می‌شود و به همین جهت مطابق قاعده ارث نیز تقسیم نمی‌گردد. (کاتوزیان، سال ۱۳۶۸ ه.ش: ص ۲۷۴) زیرا وجه بیمه متعلق به کسی است که نام او در بیمه نامه ذکر شده است. با توجه به مراتب فوق و با عنایت به اینکه وجه بیمه قبل

از فوت، مال میت نشده است تا ورثه بیمه را از متوفی تلقی کنند، معذک می‌توان گفت که وجه بیمه مانند دیه در حکم مال میت است، همانطوری که چک در حکم اسناد رسمی است. (جعفری لنگرودی، سال ۱۳۵۷ ه.ش: ص ۲۴)

وزارت امور اقتصاد و دارایی نیز طی نامه ۳۱۰۳/۲ تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۳۱ در پاسخ استعلام شرکت سهامی بیمه ایران اعلام داشته که به موجب نظریه ۳۳۹۱/۱۷ مورخه ۶۰/۱۱/۷ شورایعالی مالیاتی، وجوه بیمه عمر که عاید ورثه می‌گردد از مصادیق ماترک تلقی نمی‌شود. (جوهریان، اردیبهشت ۱۳۶۸ ه.ش: ص ۲۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷ ه.ش: ص ۶۷۰؛ کاتوزیان، سال ۱۳۶۸ ه.ش: ج ۳، پاورقی ص ۳۸۳) از نظر حقوقی نیز وجه بیمه عمر جزء ارث محسوب نمی‌شود و مرحوم دکتر موسی عمید عقیده دارد که این بیمه مانند هبه و صلح بلا عوض در عداد انتقالات بلا عوض بوده و اینگونه انتقالات از تعریف ارث خارج است. (عمید، سال ۱۳۴۲ ه.ش: ص ۲۲)

۲-۳-۱- طرح استفساریه ماده ۲۴ قانون بیمه

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طرح استفساریه ماده ۲۴ قانون بیمه را بررسی و به آن پاسخ داد.

بیمه عمر عقدی است که در نظام حقوقی ایران معتبر است. مطابق ماده ۲۴ قانون بیمه «وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخت شود به ورثه قانونی متوفی پرداخت می‌شود، مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است.»

در ماده پیش گفته نحوه پرداخت بین وراث قانونی مشخص نشده است؛ سؤالی که مطرح شده این است که آیا قانون‌گذار در ماده مزبور صرفاً در تعیین اشخاصی که باید مبلغ بیمه عمر به آنها پرداخت شود به مقررات ارث نظر داشته یا اینکه علاوه بر این موضوع، در خصوص میزان سهم هر یک از این اشخاص نیز رعایت مقررات ارث را مد نظر قرار داده است؟ این استفساریه در مقام پاسخ به این سؤال است.

۲-۳-۳-۲ - بررسی طرح پیشنهادی

اگر در بیمه عمر بیمه‌گذار نحوه تقسیم وجه بیمه عمر را مشخص نکرده باشد در مورد اینکه وجه بیمه عمر به نسبت مساوی بین ورثه تقسیم می‌شود یا بر طبق قواعد ارث؟ دو رویکرد می‌توان داشت که نتیجه این دو رویکرد دو نتیجه متفاوت است.

۲-۳-۳-۱ - رویکرد اول:

مطابق این رویکرد همان‌گونه که دیه متوفی پس از فوت تحصیل می‌شود و حین الفوت وجود نداشته، با این حال فقها آن را جزء ماترک به حساب آورده‌اند و بر طبق مقررات ارث بین ورثه تقسیم می‌کنند، در اینجا نیز هر چند مبلغ بیمه عمر پس از فوت بیمه شده به دست می‌آید، ولی به جهت یکپارچگی و انسجام و هماهنگی مقررات نظام حقوقی اولی آن است که در صورتی که در عقد بیمه میزان سهم هر یک از وراث معین نشده باشد فرض قانونی بر این باشد که بر اساس قواعد ارث بین ورثه تقسیم گردد. از آنجا که ورثه متوفی به قائم مقامی او می‌توانند کلیه تعهداتی که در قراردادهای مختلف به نفع متوفی وجود داشته را مطالبه و استیفا کنند و آنچه که از این راه بوسیله اسباب مختلف حقوقی همچون قراردادهای و غیر از آن استیفا می‌شود همه جزء ماترک محسوب

می‌شود و وجه ناشی از بیمه عمر نیز جزء ماترک محسوب می‌شود و در صورتی که در قرارداد روش خاص و معتبری برای تقسیم آن وجود نداشته باشد باید بر اساس قواعد ارث تقسیم شود.

همچنین فرض ماده ۲۴ قانون بیمه، این است که وجه بیمه عمر، برای ورثه اختصاص داده شده است، مگر اینکه در سند بیمه قید دیگری شده باشد، به همین نحو باید گفت فرض ماده (۲۴) قانون بیمه، باید این گونه باشد که وجه بیمه عمر، به نسبت سهم الارث شرعی برای ورثه اختصاص داده شده است، مگر اینکه در سند بیمه قید دیگری شده باشد تا انسجام و یکپارچگی ماده مزبور حفظ گردد و الا زیننده نیست که قانون‌گذار بخشی از فرض قانونی را از قواعد ارث اخذ کند و در خصوص بخش دیگر تجاوز کند.

بنابراین اگر در قرارداد بیمه عمر در مورد اینکه ذینفع چه شخص یا اشخاصی است و نسبت سهم هر یک چقدر است؛ سکوت وجود داشته باشد، ناگزیر سرمایه مزبور به ورثه قانونی بیمه شده و به نسبت سهم الارث آنها تقسیم می‌شود. لذا به طور خلاصه می‌توان در تأیید این رویکرد موارد زیر را برشمرد:

۱- دیه نیز هر چند پس از مرگ متوفی تحصیل می‌شود با این حال مطابق قول مشهور فقها بر اساس قواعد ارث بین ورثه تقسیم می‌شود نه به صورت بالسویه بین وراث.

۲- لفظ ورثه در ماده ۲۴ دلالت بر این دارد که قانون‌گذار به طور ضمنی به قواعد ارث نظر داشته است.

۳- اگر نظری غیر از این داشته باشیم نتیجه این می‌شود که بخشی از موضوع یعنی تعیین مصادیق ورثه با مراجعه به باب ارث روشن شود و بخشی از

موضوع یعنی سهم هر يك از ورثه بدون توجه به باب ارث تعیین شود که این خود نوعی تعارض رفتاری است.

۲-۳-۲-۲-۲-۲ رویکرد دوم:

بیمه عمر یکی از مصادیق اصلی تعهد قراردادی به نفع ثالث است. بنابراین مبلغی که در اثر بیمه عمر به ذینفع پرداخت می‌شود در واقع از باب تعهد قراردادی به نفع ثالث است که البته زمان اجرای این تعهد، زمان فوت طرف قرارداد (بیمه‌گذار) است.

از این رو به هیچ عنوان جزء اموال بیمه‌گذار (طرف قرارداد بیمه عمر) محسوب نشده، بلکه مبلغی است که شرکت بیمه در اجرای تعهد قراردادی خود با بیمه‌گذار مکلف است به ثالثی که تعهد قراردادی به نفع او ایجاد شده است بپردازد و نباید به این دلیل که زمان اجرای این تعهد به نفع ثالث، پس از فوت بیمه‌گذار تعیین شده است موجب شود تا مبلغ پرداختی در این راستا جزء ترکه متوفی محسوب شود.

بنابراین چون وجه بیمه عمر، ماترك محسوب نمی‌شود آثار ماترك بر آن بار نمی‌شود و در نتیجه در این مورد لزومی به پیروی از قواعد تقسیم ترکه نیست. مشابه این استدلال در نظریه شماره 7/7485-7-28/12/65 در بحث عدم لزوم اخذ گواهی حصر وراثت در خصوص آنچه که در قبال حادثه منتهی به فوت شخص بیمه شده از طرف شرکت بیمه پرداخت می‌شود آمده و بیان شده که مبلغ مزبور از جمله ماترك متوفی محسوب نمی‌شود تا نیازی به اخذ گواهی حصر وراثت داشته باشد.

به عبارت دیگر سرمایه حاصل از بیمه عمر، ترکه متوفی به معنای خاص نیست که طبق ماده (862) و (940) به بعد قانون مدنی و قواعد مندرج در این قانون، تقسیم

شود، بلکه تأسیس حقوقی خاص و حقی است که طبق قانون بیمه، پس از فوت بیمه‌گذار باید به شخص یا اشخاص ثالثی که در بستن پیمان هیچ‌گونه نقشی نداشته‌اند، پرداخت شود که این افراد ممکن است ورثه یا غیر از آنان باشند. بدین ترتیب سرمایه بیمه عمر، به نسبت مساوی بین صاحبان حق تقسیم می‌شود، مگر آنکه بیمه شده، به نحو دیگری درخواست و مقرر نموده باشد، زیرا فرض ماده (۲۴) قانون بیمه، این است که وجه بیمه عمر، برای ورثه اختصاص داده شده است، مگر اینکه در سند بیمه قید دیگری شده باشد.

به بیان دیگر، اگر در قرارداد بیمه عمر راجع به اینکه ذینفع چه کسی است؟ سکوت وجود داشته باشد، ناگزیر سرمایه مزبور به ورثه قانونی بیمه شده (آن‌هم به نسبت مساوی) تقسیم می‌شود نه به موجب مقررات تقسیم ارث که دارای مقررات ویژه‌ای است و قابلیت شمول به غیر مورد ارث ندارد. در پاسخ به این استدلال نیز که وجه بیمه عمر نیز مانند دیه باید طبق قواعد ارث تقسیم شود می‌توان گفت دلیل تقسیم دیه طبق قواعد ارث وجود دلیل خاص در این مورد است و چون در این مورد دلیل خاص نداریم باید طبق اصل عدم ترجیح بلامرجح وجه بیمه عمر به تساوی تقسیم شود. (دفتر مطالعات حقوقی مجلس شورای اسلامی - چاپ ۱/۸/۱۳۹۱) بنابراین فرضیه ارث بودن سرمایه بیمه عمر نیز رد می‌گردد.

۲-۴- بررسی فرضیه عقد مستقل بودن بیمه عمر

۲-۴-۱- استقلال عقد بیمه عمر و دلایل آن:

با توجه به مجموع بررسیهای انجام شده و تحلیلهای گوناگون حقوقی که از قرارداد بیمه عمر به عمل آمد است می‌توان نتیجه گرفت که: بیمه عمر عقدی مستقل است که خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود را دارد و در این مورد علاوه بر «نیاز ضروری جامعه» و «اصل صحت» و «اصل اباحه» دلایل زیر محکم و موجه به نظر می‌رسد:

۲-۴-۱-۱- دلیل اول: عمومات و اطلاعات ادله:

آیات متعددی در رابطه با لزوم وفا بر عهد و قراردادهای نازل شد و اخبار و احادیث منقول از ائمه معصومین نیز، درباره پایبند بودن به پیمانها و قراردادهای تأکید فراوانی به عمل آورد که از جمله این آیات و روایات می‌توان از آیات شریفه «یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود» (سوره مائده آیه 1) «وافوا بالعهد» (سوره اسری آیه 35) «یا ایها الذین امنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض» (سوره نساء آیه 28) و احادیث معروف «المؤمنون عند شروطهم» (ابن بابویه، سال 1378 ه.ق، ج 2: ص 159) و «لا یحیل مال امرء الا بطیب نفسه» (شیخ مفید، سال 1413 ه.ق: ص 140) و «الصلح جائز بین المسلمین الا ما احل حراماً او حرم حلالاً» (کلینی، سال 1407 ه.ق: ج 7، ص 413) نام برد.

گرچه عده ای عقیده دارند که الف و لام «العقود» عهدی بوده و فقط شامل قراردادهای و معاملاتی است که در زمان شارع، در جزیره العرب رواج داشته است ولی

اکثر فقهای اسلامی بر این عقیده‌اند که الف و لام کلمه العقود استغراقی بوده و افاده عموم می‌نماید و با توجه به اینکه دین مبین اسلام دین جهانی است و احکام آن نیز کلیه مسلمانان جهان را شامل می‌شود علیهذا نمی‌توان تصور کرد که منظور از «العقود» فقط معاملات و قراردادهای مرسوم در جزیره العرب و زمان شارع بوده باشد، بلکه لزوم وفا بر عهد و پیمان، اختصاص به عقود زمان شارع نداشته و هر نوع معامله و قراردادی را که دارای آثار حقوقی است شامل می‌گردد. بنابراین طرفین قرارداد الزامی ندارند که اراده خود را در قالب یکی از عقود شناخته شده فقهی متجلی سازند. عدم نهی شارع و عمومات ادله نیز برای مشروعیت کلیه قراردادهای بین مردم کافی است مگر اینکه صراحتاً از طرف شارع منع گردیده باشد و علیهذا «اوفوا بالعقود» قرارداد بیمه را نیز که یکی از عقود مستحدثه و جدید می‌باشد و صراحتاً نیز مورد نهی واقع نگردیده است شامل خواهد شد و اشکالی در مشروعیت آن وجود نخواهد داشت.

فقیه بزرگوارى همچون مرحوم آیت الله نائینی، عقیده دارد که برای صحت معاملات مستحدثه ای مانند بیمه، که در زمان شارع وجود نداشته است عمومات اوفوا بالعقود کافی است (نائینی، ۱۳۷۶ ه.ش: ج ۳، ص ۶۸ و ۶۹؛ جعفری لنگرودی، سال ۱۳۴۰ ه.ش: ص ۱۲۵) و میرزای قمی نیز پس از بیان نظریات گوناگونی در مورد آیه مذکور اظهار عقیده می‌نماید که حمل آیه مذکور برای کلیه قراردادها اولی به نظر می‌رسد، اعم از آنکه از عقود به وجود آمده در بین مردم باشد و یا از عقود متداول در فقه. (جیلانی، ۱۳۷۱ ه.ش: ص ۵۲۸ و ۵۲۹) امام خمینی رضوان الله تعالی علیه نیز با واقع بینی خاص و نگرشی عمیق در این باره می‌گویند: تردیدی نیست که آیه اوفوا بالعقود کلیه قراردادهای مرسوم در بین مردم را که عرفاً عنوان عقد بر آنها اطلاق می‌شود، شامل می‌گردد و واجب الوفاء نبودن قراردادهای مذکور مخالف عمومات ادله می‌باشد و

بنابراین هر نوع توافقی که عرفاً عقد نامیده میشود و مخالفتی هم با موازین شرعی ندارد مشمول عموم و اطلاقات آیه مذکور خواهد بود. (موسوی الحمینی، سال 1364 ه.ش: ج 2، ص 609؛ شیرازی، سال 1309 ه.ق: ص 756، مسئله 58؛ موسوی سبزواری، چاپ اول 1390 ه.ق: ص 528 و 529، مسئله 249)

درباره آیه شریفه «لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراضٍ» نیز باید گفت که برابر آیه مذکور، مجوز تملک اموال دیگران تجارت ناشی از توافق و تراضی طرفین قرارداد می‌باشد و به عبارت دیگر نهی تملک از طریق باطل، دلالت بر صحت تملک از طریق تجارت با تراضی دارد و با توجه به اینکه بیمه نیز نوعی معامله است و نصی بر باطل بودن آن وجود ندارد تا از مصادیق و اسباب تملک بوده باشد و قراردادی است، دارای دو طرف بیمه‌گذار و بیمه‌گر، عوض و معوض، اقساطی که بیمه‌گذار می‌پردازد، خسارت و وجه بیمه‌ای که بیمه‌گر تعهد پرداخت آن را می‌نماید و شرایط عمومی صحت قراردادها از قبیل انشاء و ایجاب و قبول و عقل و بلوغ و رشد متعاملین را نیز دارد و معامله‌ای است که هدف سود جویی در معامله را نیز داشته و احیاناً زیانهای احتمالی را نیز می‌پردازد علیهذا عمومات و اطلاقات آیه شریفه «تجاره عن تراضٍ» شامل آن نیز می‌گردد. (السنهوری، چاپ 1964 میلادی: قسمت دوم ص 1088؛ گرجی، سال 1365 ه.ش: ص 28؛ حایری، سال 1370 ه.ش: ص 155 و 186 و 201)

۲-۴-۱-۲- دلیل دوم: حصری نبودن عقود:

عده‌ای از فقها عقیده دارند که عمومات ادله منحصر شامل عقد و قراردادهای مرسوم در زمان شارع بوده و قراردادهایی همچون بیمه را که در زمان شارع وجود

نداشته است، شامل نمی‌گردد. در پاسخ این نظریه نیز باید گفت که، اولاً هیچگونه دلیلی بر حصری بودن عقود در دست نیست و عمومات و اطلاقات آیات «اوفوا بالعقود» و «تجارة عن تراض» نیز موید این موضوع می‌باشد.

ثانیاً همانطوری که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه عقیده دارند بر فرض که بیمه سابقه فقهی نداشته باشد ولی به چه دلیلی معامله صحیح و شرعی باید سابقه داشته باشد؟ درست است که در صدر اسلام، بیشتر معاملاتی که امروز متداول می‌باشد، وجود نداشته است، ولی این بدان معنی نیست که جریان تعبدی بوده باشد و باید حتماً شارع بگوید که فلان معامله صحیح است بلکه شارع مقدس هر عقدی را که در بین طرفین منعقد شده باشد معتبر شمرده و آن را تنفیذ کرده است چه سابقه داشته و چه سابقه نداشته باشد مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد. (بی‌آزار شیرازی، سال 1359 ه. ش: ج 2، ص 225، به نقل از درس خارج مورخ 7/ 51343 امام خمینی رضوان الله در باره مسائل مستحدثه)

ثالثاً شارع نمی‌توانسته در مورد عقودی که بعداً بوجود می‌آید اظهار نظر کند و علیهذا در معاملات و قراردادها شرایطی قائل گردیده و مردم را نیز با رعایت شرایط مذکور، در انجام معاملات و تنظیم قراردادها آزاد گذاشته است. بنابراین چنانچه قرارداد بیمه نیز از محدوده این شرایط بیرون نرود، در صحت و مشروعیت آن جای هیچگونه تردیدی باقی نخواهد ماند.

۲-۴-۱-۳ - دلیل سوم: عقلایی بودن عقد بیمه:

حقوق اسلام، عقل و سیره عقلا را یکی از منابع حقوق می‌داند و روایات و احادیث متعددی نیز در مورد اعتبار و حجیت عقل وارد شده (خزائلی، 1384 ه. ش):

ص 742) و قاعده معروف «ما حکم به العقل حکم به الشرع» نیز موید اهمیت دلیل عقل در فقه اسلامی است و سیره عقلا نیز عبارت از رویه عملی خردمندان می‌باشد که با در نظر گرفتن مصالح جامعه و پیشگیری از اختلال در جوامع بشری بوجود آمده است و به همین جهت اغلب فقها و مراجع تقلید در موارد متعددی به سیره عقلا و صحت تمسک به آن اشاره نموده‌اند.

دانشمندان اصول، دلیل عقلی را چنین تعریف کرده‌اند «حکم عقلی یتوصل به الی حکم شرعی» (گرجی، سال 1369 ه.ش: ج 2، ص 164) یعنی از طریق حکم عقلی می‌توان به حکم شرعی دست یافت و فقهای امامیه نیز اهمیت فراوانی به عقل دادند مرحوم آیت الله حکیم از مراجع بزرگ تقلید و آیت الله ناصر مکارم شیرازی نیز از جمله فقهای هستند که به لحاظ عقلایی بودن قرارداد بیمه آن را عقدی صحیح و شرعی دانستند.

استاد شهید مرتضی مطهری نیز می‌گوید ضرورتی ندارد که قرارداد بیمه را با یکی از عقود تطبیق بدهیم زیرا موضوع قرارداد بیمه خرید امنیت است که در عرف عقلا مشروع و مستقل می‌باشد.

و سرانجام امام خمینی رضوان الله علیه نیز که بیمه را امری عقلایی و در نتیجه عقدی صحیح و مستقل و شرعی می‌دانند، (بی‌آزار شیرازی، سال 1359 ه.ش: ج 2، ص 220) با جهان بینی و روشنگری خاص خود در رابطه با عقود و قراردادهای جدید که در اثر مقتضیات زمان و پیشرفت علم و صنعت به وجود آمده است و با انتقاد از عقاید کسانی که اظهار می‌دارند قراردادهای نو ظهور بایستی به یکی از معاملات زمان شارع بازگشت کند تا مشمول امضای شارع گردد، بایستی این دیوار آهنین را که به دور خود کشیده ایم منهدم کنیم و این زنجیره‌های دست و پا گیر را از هم بگسلیم. (معرفت،

سال ۱۳۶۹ ه.ش: شماره ۲۹، ص ۴۳ و ۴۴) ایشان که همانند تعداد زیادی از فقهای بزرگ اسلام، معاملات را انحصاری ندانسته و معاملات هر دوره را طبق نیازهای موجود و با حفظ شرایط اولیه صحیح و نافذ می‌شمردند، معاملات عقلایی نو ظهور را نیز با شرایط مذکور شرعی دانسته و با اعتقاد به جهان شمولی فقه اسلامی می‌فرمودند: مسایل فقهی را در کوچه و بازار در میان مردم و با سنجش نیازهای موجود، ارزیابی کنید. معیارهای گذشته و پوسیده را دور بریزید و با دید واقع‌نگرانه، در راه استنباط احکام شریعت گام بردارید. (معرفت، سال ۱۳۶۹ ه.ش: شماره ۲۹، ص ۴۲)

نتیجه‌گیری

از آن جایکه ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی را مادامی که مخالف صریح قانون نبوده و مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد در بین طرفین قرارداد لازم الاجرا می‌داند و با توجه به قاعده معروف فقهی «العقود تابعه للقصود» که چهره دیگری از اعتبار اصل حاکمیت اراده می‌باشد و نظر به آنکه ماده ۱۰ قانون مدنی در دو بار باز بینی در سالهای ۶۱ و ۶۹ و تطبیق مواد آن با فقه اسلامی دستخوش هیچگونه اصلاح و تغییری نگردیده و در نتیجه به اعتبار خود باقی بوده است علیهذا قرارداد بیمه نیز که با رضایت و توافق و اعمال حاکمیت اراده طرفین منعقد می‌گردد عقدی مستقل بوده و عدم ذکر آن در کتب معروف و مدون فقهی نیز دلیل بطلان قرارداد مذکور نمی‌تواند باشد و سرانجام با توجه به مجموع بحث و بررسی‌ها و مقایسه و تطبیق و استدلال و نظریات فقهای اسلامی و دانشمندان علم حقوق باید گفت که: «بهترین راه، مستقل شمردن عقد بیمه عمر است.» لذا نظر مختار نویسنده هم مستقل بودن عقد بیمه عمر و ضعیف بودن احتمالات ذکر شده در خصوص سرمایه بیمه عمر می‌باشد.

منابع:

- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (سال ۱۳۵۹ه.ش)، رساله نوین، ج ۱، قم: موسسه انجام کتاب
- جمالی زاده، احمد، (سال ۱۳۸۰ه.ش)، بررسی فقهی عقد بیمه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، (سال ۱۳۵۷ه.ش)، دایره المعارف حقوق تجارت و مدنی، تهران: گنج دانش، ج ۱
- جواهریان، محمد ولی، (اردیبهشت ۱۳۶۸ه.ش)، بیمه عمر، تهران: انتشارات شرکت سهامی بیمه ایران
- جیلانی، ابوالقاسم بن الحسن، معروف به میرزای قمی، (سال ۱۳۷۱ه.ش)، جامع الشتات، تهران: انتشارات کیهان
- حایری، مسعود، (سال ۱۳۷۰ه.ش)، مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها، تحلیلی بر ماده ۱۰ قانون مدنی، تهران: انتشارات کیهان
- حسینی پور، سیدمحمد، (سال ۱۳۹۱ه.ش)، بیمه‌های اشخاص، تهران: پژوهشکده بیمه
- موسوی الخمینی، روح الله، (سال ۱۳۶۴ه.ش)، تحریر الوسیله، قم: دارالفکر، ج ۲
- خامنه ای، سید محمد، (سال ۱۳۵۹ ه. ش) حقوق بیمه در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- خزائلی، محمد، (سال ۱۳۸۴ه.ش)، احکام قرآن، تهران: انتشارات جاویدان، چاپ پنجم

- شیرازی، سید محمد حسن، (سال ۱۳۰۹ ه. ق)، *المسائل الاسلامیه*، قم: دارالفکر، چاپ سوم
- شهیدی، دکتر سید جعفر، *التأمین عقد و تجاره عن تراض*، مجله الفکر الاسلامی، شماره ۲۹ و ۳۰، تهران
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (سال ۱۳۴۰ ه. ق)، *سئوال و جواب (مجموعه فتاوی)*؛ گردآوری سید یحیی کاشف الغطاء، نجف اشرف: مطبعه حیدری نجف اشرف
- عرفانی، توفیق، (سال ۱۳۷۱ ه. ش)، *قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران*، تهران: موسسه کیهان
- عمید، دکتر موسی، (سال ۱۳۴۲ ه. ش) *ارث در حقوق مدنی ایران*
- *قانون بیمه، اردیبهشت ۱۳۱۶*
- *قانون مدنی ایران*
- کاتوزیان، ناصر، (سال ۱۳۶۸ ه. ش) *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، مشهد: انتشارات بهنشر، جلد ۳
- کاتوزیان، ناصر، (سال ۱۳۶۹ ه. ش) *ماهیت آثار قولنامه*، مجله کانون وکلا دادگستری، شماره ۱۵۰ و ۱۵۱
- گرجی، دکتر ابوالقاسم، (سال ۱۳۵۷ ه. ش)، *تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی*، نشریه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران شماره اول
- گرجی، دکتر ابوالقاسم، (سال ۱۳۶۵ ه. ش)، *مجموعه مقالات حقوقی*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، جلد ۱

- گرجی، دکتر ابوالقاسم، (سال ۱۳۶۹ ه.ش) مجموعه مقالات حقوقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۲
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (سال ۱۳۹۰ ه.ق) توضیح المسائل، نجف اشرف: چاپخانه ادب
- مطهری، مرتضی، (سال ۱۳۶۱ ه.ش)، بررسی فقهی مسئله بیمه، تهران: انتشارات میقات
- موسوی الخویی، حاج سید ابوالقاسم، (سال ۱۳۹۴ ه.ق)، رساله توضیح المسائل، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة
- موسوی الخویی، حاج سید ابوالقاسم، (سال ۱۳۹۰ ه.ق)، المسائل المنتخبه العبادات و المعاملات، نجف اشرف: مطبعة الآداب نجف اشرف، چاپ پنجم
- موسوی الخویی، حاج سید ابوالقاسم، (سال ۱۴۰۵ ه.ق)، منهاج الصالحین، قم: دارالفکر، جلد ۱
- مرعشی، سیدحسین، (سال ۱۳۴۹ ه.ش)، توضیح المسائل، تهران: انتشارات فراهانی
- معرفت، محمد هادی، (سال ۱۳۶۹ ه.ش)، واقع نگری در بینش فقهی امام، تهران: کیهان اندیشه
- حلی، شیخ حسین، چاپ ۱۴۰۵ ق، بحوث فقهیه، نجف اشرف: موسسه المنار
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (سال ۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۸جلدی

- مفید، محمد بن محمد، (سال ۱۴۱۳.ه.ق)، المسائل الصاغانیه، اجلدی، قم: نشر جهان، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید
- ابن بابویه، محمد بن علی، (سال ۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا(ع)، تهران: نشر جهان، ۲جلدی
- روحانی، آیت الله سیدصادق، (بدون تاریخ)، مسائل المستحدثه، قم: انتشارات دارالفکر
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۶۴ میلادی)، الوسیط، قم: انتشارات دانشگاه قم، قسمت دوم
- قرضاوی، دکتر یوسف، (سال ۱۴۰۵.ه.ق)، الحلال و الحرام، با حاشیه شیخ حسن محمد تقی الجواهری، تهران: چاپ سازمان تبلیغات اسلامی ایران
- نائینی، میرزا حسین، (سال ۱۳۷۶.ش) فوائد الاصول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سنگی، جلد ۳
- زنگنه، مسعود، (تابستان ۱۳۷۹.ش)، ماهیت و آثار حقوقی قرارداد بیمه عمر، فصلنامه صنعت بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۸
- دفتر مطالعات حقوقی مجلس شورای اسلامی (تاریخ چاپ ۱۳۹۱/۸/۱)- دوره نهم- سال اول- شماره ثبت ۱۶۲- شماره چاپ ۲۵۸
- زنگنه، مسعود، (سال ۱۳۷۷.ش)، ماهیت و آثار حقوقی قرارداد بیمه عمر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، (سال ۱۳۴۰.ش) رساله دکتری تأثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ گیلان

Abstract:**Analysis of the theory of the nature of capital life insurance**

Unfortunately jurisprudence and legal problems arising from life insurance in a veil of ambiguity has been. Among these issues is the nature of life insurance funds the extensive discussion devoted to including these issues that we discuss in this article is, what is the nature of capital life insurance from the perspective of jurisprudence? Is the capital of the insurer's life insurance applies to legacy and its mandate and rules of inheritance? Is life insurance contract will be considered? It is worth noting that often these issues by insurance companies and sometimes the judges are biased and regardless of the legal nature of the legal capital life insurance are resolved. Given the importance of the issue and its widespread use in the insurance companies in this study different opinions about the nature of capital paid life insurance and assumptions, such as the inheritance, wills and life insurance gift capital being discussed and analyzed. And the outcome of what has been written so that the rejection of the hypothesis estate investment life insurance, the best and most logical response to the questions in this context, independent life insurance contract is to know.

Key words: inheritance, life insurance, wills, commitment in favor of a third party



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی